

حُبِّ الْحَیْنِ وَلَسِيَّةُ السُّعْدَاءِ

ارتعاشِ مظلومیت؛
نقش رسانه و قدرت عاطفه
در افشای جنایت

تهیه و تنظیم:

مجتمع عالی آموزشی پژوهشی تبلیغ

حوزه‌های علمیه



بسمه تعالی

قوی تر از بمب اتم

به نام آن خداوندی که یادش می کند آرام قلب
بندگان را.

سلام بر شما عزیزان امام حسینی. سلام به شما که
قلب هایتان از داغ شهدای این روزها لرزان است.
رفقای من، امسال ماهِ صفرِ ما رنگ و بوی عجیبی
دارد: سوگوار رهبر عزیز و مقتدرمان هستیم و دلمان
برای ۱۶۸ دانش آموز بی گناه مدرسه میناب کباب
است.

امروز می خواهیم درباره یک دختر بچه صحبت
کنیم. شاید با خودتان فکر کنید که درباره کودکی
یکی از زنان نخبه و دانشمند می خواهیم صحبت
کنیم یا درباره شهدای دانش آموز میناب یا...

اما می خواهیم در خصوص دختر بچه ای صحبت
کنیم که سه یا چهار سالش بود. نه قدرت بدنی

داشت، نه اسلحه و نه حتی وارد میدان جنگ شد؛ اما کاری کرد که هیچ فرمانده‌ای نتوانست. کاری کرد که تمام دستگاه تبلیغاتی دشمن را از کار انداخت.

هرکسی که در دلش شوق انتقام خون «زهر» کوچولوی چهارده ماهه»، یعنی نوۀ شهید رهبرمان، را دارد و می‌خواهد بداند چطور یک کودک می‌تواند قوی‌تر از بمب اتم باشد، بلند صلوات بفرستد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

معمای ویدئوی ۱۵ ثانیه‌ای

بچه‌ها، قبل از هر حرفی، یک سؤال از شما پرسم: تا حالا شده یک ویدئوی خیلی کوتاه ببینید؟؛ مثلاً ۱۰ ثانیه، ۱۵ ثانیه، که نه جلوه ویژه‌ای دارد، نه موسیقی خاصی، نه تدوین حرفه‌ای‌ای؛ فقط یک صحنه واقعی باشد؛ اما به طور عجیبی تمام دنیا را تکان داده باشد. شاید میلیون‌ها بار هم دست به دست

شده باشد و اشک همه را درآورده و حتی سیاست
کشورها را هم عوض کرده باشد.

هرکسی چنین ویدئویی را دیده، دست بلند کند و
کمی توضیح بدهد.^۱

ممنون از لطف همراهی همه شما عزیزان.

همان طور که گفتیم، گاهی یک تصویر یا فیلم
چند ثانیه‌ای می‌تواند جهانی را به هم بریزد؛ مثلاً:
قتل جرج فلوید

ویدئوی قتل جرج فلوید (George Floyd): در ۲۵
ماه می، مردی سیاه‌پوست به طرز فجیعی به دست
پلیس شهر مینیاپولیس در ایالت مینه سوتا آمریکا
کشته می‌شود. این شاید تکان‌دهنده‌ترین نمونه در
سال‌های اخیر باشد؛ ویدئویی نه دقیقه‌ای که یک

^۱. برای مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است پاسخ کامل متریبان
شنیده شود و از کسانی که پاسخ درست می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.

رهگذر با موبایل ضبط کرد؛ نه موسیقی داشت، نه
تدوین و نه زاویه بندی سینمایی.

کودک سوری در آمبولانس

فیلم کودک سوری در آمبولانس (Omran

Daqneesh: در سال ۲۰۱۶، ویدئوی کوتاهی از

«عمران»، کودک پنج ساله‌ای که در شهر حلب

سوریه از زیر آوار بیرون کشیده شده بود، منتشر

شد. او بدون گریه کردن، روی صندلی آمبولانس

نشسته بود و صورتش پر از غبار و خون بود.

یا ویدئوهایی که از آواربرداری‌های مدرسه میناب

دست به دست می‌شد؛ یا اشک دخترکانی که در

فراق دوستان شهیدشان جاری می‌شد و با گوشه

آستینشان آن را پاک می‌کردند.

اشک یک مظلوم

می‌دانید چرا بعضی تصاویر این قدر تأثیرگذارند؟

چون «مظلومیت واقعی» وقتی با «حقیقت خالص»

ترکیب شود، از هر بمب اتمی قوی تر است. هیچ قدرتی در دنیا نمی تواند جلوی اثرگذاری اشک یک بچهٔ مظلوم را بگیرد.

در شرایطی که آمریکا به ایران حمله کرده، رهبر عزیز و بزرگوارمان را شهید کرده، فرمانده‌های ما را زده و بچه‌های بی‌گناهمان را به خاک و خون کشیده و الآن هم دارد با رسانه‌هایش جنگ روانی راه می‌اندازد تا جای جلاد و شهید را عوض کند، باید ببینیم وظیفهٔ ما در این «جنگ روایت‌ها» چیست. پاسخ این سؤال را می‌خواهیم از حضرت رقیه علیها السلام، دختر سه چهارسالهٔ واقعهٔ کربلا یاد بگیریم؛ دختر «فریاد کوچک و بمب اتم عاطفه».

دو فاز جنگ

بچه‌ها، به نظر شما، هر جنگ و نزاعی چند تا فاز

عملیاتی دارد؟^۲

ببینید رفقا، هر جنگی دو تا فاز دارد

۱. جنگ فیزیکی

فاز اول: جنگ فیزیکی است؛ یعنی ضربه بدنی، یعنی بمباران، موشک، کشتار. این‌ها را همه می‌فهمند. وقتی خون آدم‌ها می‌ریزد، همه می‌دانند که جنگ هست.

۲. جنگ روانی

فاز دوم: جنگ روانی است؛ یعنی ضربه مغزی. این فاز خطرناک‌تر است؛ چون دیده نمی‌شود. در فاز دوم، دشمن نمی‌خواهد جسم تو را بکشد؛ می‌خواهد «روح» تو را بکشد؛ می‌خواهد ذهن تو را تسخیر کند؛ می‌خواهد کاری کند که تو «باور کنی»

۲. مربیان عزیز ابتدا نظرات متربیان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

باخته‌ای!

بچه‌ها، یزید در روز عاشورا «فاز اول» را انجام داد:
کُشت و کشت و کشت؛ اما بعد از عاشورا وارد «فاز
دوم» شد.

فاز دوم چه بود؟ اسرا را گرفت و بُرد شام (پایتخت
حکومت). چرا؟ چون می‌خواست به همه نشان
دهد که: «بینید...! خاندان پیامبر را شکست
دادم! اسیرشان کردم! من قدرتمندم!» می‌خواست
به مردم شام بفهماند که حسین علیه السلام «شورش» بوده
و یزید «عدالت» را اجرا کرده!

آمریکا هم دقیقاً همین کار را انجام می‌دهد: فاز اول
را انجام داد: حمله کرد، رهبر عزیز ما را شهید کرد،
فرمانده‌ها را زد، مردم بی‌گناه و بچه‌ها را کشت.
حالا وارد «فاز دوم» شده: رسانه‌هایش شبانه‌روز
دارند کار می‌کنند که بگویند: «ایران تمام شد!
دیدید چطوری رهبرشان را زدیم و نتوانستند کاری

کنند؟! باید تسلیم شوند! مقاومت بی فایده است!»
دارند جای جلاد و شهید را عوض می کنند.
می گویند: «ما برای صلح و دموکراسی زدیم!»
اما رفقا، ۱۴۰۰ سال پیش، یک دختر بچه سه ساله،
تمام فاز دوم یزید را خراب کرد. اسمش رقیه بنت
الحسین علیها السلام بود. ما نیز به مدد حضرت رقیه علیها السلام
باید یاد بگیریم که چطوری فاز دوم آمریکا را هم
خراب کنیم.

جنگ روایت ها

دوستان، بیایید کمی عمیق تر به موضوع نگاه کنیم.
به نظر شما چرا «روایت» این قدر مهم است؟ چرا
دشمن حاضر است میلیاردها دلار هزینه کند تا
«داستان» خودش را به دنیا تحمیل کند؟^۳
ممنون از پاسخ های درستی که دادید.

۳. ابتدا مشارکت گیری شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

همان طور که می دانید، در هر جنگی دو نوع روایت وجود دارد:

روایت جلاد: «من قوی بودم، او ضعیف بود. من حق داشتم، او نداشت. پس من بُردم.»

روایت مظلوم: «او به ظلم کشت. من بی گناه بودم. خدا شاهد است. تاریخ قضاوت می کند.»

یزید تمام تلاش خود را کرد تا «روایت جلاد» را به مردم شام تحمیل کند. خطیبان را استخدام کرد، سخنرانی ها ترتیب داد و پول ها خرج کرد. می خواست مردم باور کنند که امام حسین علیه السلام یک شورشی خطرناک بوده است.

اما حضرت رقیه علیها السلام چه کرد؟

حضرت رقیه علیها السلام هیچ رسانه ای نداشت، هیچ تربیونی نداشت و هیچ شبکه ماهره ای در اختیارش نبود؛ فقط یک صدای لرزان، یک صورت کبود و یک دل شکسته داشت! اما همان صدای

لرزان و همان صورت کبود آن قدر قوی بود که وقتی مردم شام او را دیدند، فهمیدند یزید چه جنایتکاری است!

دوستان، وقتی رقیه علیها السلام در کاخ یزید گریه می کرد و بهانه پدر را می گرفت، زنان شام شروع به گریه کردند، مردان سرشان را پایین انداختند و حتی برخی از سربازان خود یزید وجدانشان بیدار شد. یک دختر بچه سه ساله تمام بودجه رسانه ای یزید را سوزاند.

حالا به امروز نگاه کنیم. آمریکا پس از حمله به ایران و شهید کردن رهبرمان و کشتن فرماندهان و کودکان بی گناهمان، با تمام قدرت رسانه ای خود «فاز دوم» را اجرا می کند:

- رسانه های غربی می گویند: «ایران تهدید جهانی بود؛ ما برای امنیت دنیا زدیم!» (دقیقاً همان حرف یزید: ما فتنه گر را سرکوب کردیم!)

- هزاران اکانت جعلی در فضای مجازی فعال شده‌اند که بگویند: «ایران ضعیف است، مقاومت بی فایده است، تسلیم شوید!»

- شخصیت رهبر شهیدمان را ترور می‌کنند، دروغ می‌بافند و تهمت می‌زنند. می‌خواهند پس از شهادت جسمانی، شهادت شخصیتی او را هم رقم بزنند.

- تصاویر واقعی بمباران و کشتار کودکان را سانسور می‌کنند و نشان نمی‌دهند.

دوستان، این «جنگ روایت‌ها» است. اگر آمریکا در این جنگ پیروز شود، یعنی دنیا باور خواهد کرد که آمریکا «حق داشته» ایران را بزند؛ یعنی خون رهبرمان، خون فرماندهانمان و خون کودکان بی‌گناهمان پایمال خواهد شد! اما اگر ما پیروز شویم و «روایت مظلوم» را به دنیا برسانیم، آمریکا رسوا خواهد شد؛ دقیقاً همان‌طور که حضرت

رقیه علیها السلام یزید را رسوا کرد.

خطر بزرگ

به نظر شما بزرگ‌ترین خطر حال حاضر چیست؟
سپاس فراوان...

به نظر من خطر اصلی این است که ما سکوت کنیم. اگر ما روایت نکنیم، دشمن روایت می‌کند؛ به گونه‌ای که انگار آن‌ها خوب هستند و ما بد.

رقیه علیها السلام سکوت نکرد. با همان صدای کوچکش، با همان گریه‌هایش و با همان بهانه گرفتن‌هایش، روایت حقیقت را به گوش تاریخ رساند.

امروز تو، نوجوان ایرانی، رقیه عصر مجازی هستی. در دست تو گوشی‌ای هست که می‌تواند همان کار رقیه علیها السلام را انجام دهد. فقط باید بدانی چگونه.

۴. مربیان عزیز ابتدا نظرات متربیان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

جعبه سیاه

دوستان، یک مثال مهم بزنم. می دانید وقتی یک هواپیما سقوط می کند یا با موشک زده می شود، چه اتفاقی می افتد؟ همه چیز می سوزد، بدنه ذوب می شود، صندلی ها به خاکستر تبدیل می شوند و چیزی باقی نمی ماند، مگر یک چیز.

چه چیزی؟

احسنت به همه! جعبه سیاه.

قبل از اینکه بحث را ادامه دهیم، بفرمایید که این قطعه چه رنگی است؟^۵

ممنون از همه عزیزانی که اشتباه گفتند. وقتی هواپیما سقوط می کند، یک قطعه کوچک نارنجی رنگ در ته هواپیما وجود دارد به نام «جعبه سیاه». این قطعه طوری ساخته شده که نه

^۵. قاعدتاً بچه ها رنگ سیاه را به خاطر جعبه سیاه خواهند گفت.

آتش آن را می سوزاند، نه ضربه آن را می شکند و نه
آب آن را خراب می کند.

چرا؟ چون وظیفه اش این است که باقی بماند و به
دنیا بگوید: «در آن ثانیه های آخر چه اتفاقی افتاده،
مقصر کی بوده، حقیقت چیست.»

دوستان، عاشورا همان هواپیمایی بود که یزید با
موشک نامردی به آن زد. همه شهید شدند. ظاهراً
همه چیز سوخت. یزید فکر کرد «تمام شد! دیگر
کسی نیست که حرفی بزند!»

اما حضرت رقیه علیها السلام «جعبه سیاه کربلا» بود.

یزید او را در تاریک ترین مکان (خرابه های شام)
گذاشت تا صدایش به کسی نرسد؛ اما این
جعبه سیاه در تاریکی خرابه باز شد و تمام
اطلاعات جنایت یزید را پخش کرد:

وقتی صورت کبود رقیه علیها السلام را دیدند، فهمیدند یزید
چه جنایتکاری است؛

وقتی صدای لرزان رقیه علیها السلام را شنیدند که می گفت
«بابایم کجاست»، فهمیدند حسین علیه السلام مظلوم بوده
است؛

وقتی سر بریده پدر را آوردند و رقیه علیها السلام او را در
آغوش گرفت و جان داد، تمام ساختمان دروغ یزید
فروریخت!

جعبه سیاه حقیقت

حالا به امروز نگاه کنیم. در این بمباران رسانه ای
آمریکا پس از حمله به ایران، تو باید «جعبه سیاه
حقیقت» باشی.

حالا هر کدام از شما فرض کند یک «جعبه سیاه»
است. با گوشی هایتان چه پیامی برای دنیا
می فرستید تا نگذارید خون ۱۶۸ شهید میناب و

زهرای چهارده ماهه پایمال شود؟^۶

آمریکا می خواهد همه چیز بسوزد؛ می خواهد
حقیقت گم شود؛ می خواهد دنیا فراموش کند چه
جنایتی کرده است؛ اما تو، نوجوان ایرانی، باید
بمانی و روایت کنی. باید به دنیا بگویی:

«آمریکا رهبر ما را زد؛ فرمانده های ما را کشت؛
بچه های بی گناه مدرسه شجره طیبه میناب را زیر
بمب دفن کرد. آن ها جنایتکارند؛ آن ها حرمه
مدرن اند. آن ها یزید زمان اند.»

قبل از اینکه ادامه بحث را بگوییم، بیایید شادی
روح خانم سه ساله کربلا بلند صلوات بفرستیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

^۶. مربیان عزیز ابتدا نظرات متربیان را بشنوند و سپس به ادامه بحث
پردازند.

خطرناک تر از شمشیر

دوستان، یک نکته بسیار مهم بگویم. شاید پرسید:
«حضرت رقیه علیها السلام یک کودک بود! مگر یک کودک
چه کاری می تواند بکند؟!»

جواب را از خود یزید بشنوید. وقتی به یزید خبر
دادند که رقیه علیها السلام در خرابه گریه می کند و مردم شام
می شنوند و بیدار می شوند، یزید ترسید!

یزید از حضرت عباس علیه السلام نترسید، چون او را
شهید کرده بود؛ از علی اکبر علیه السلام نترسید؛ چون او را
شهید کرده بود؛ اما از گریه یک دختر بچه سه ساله
ترسید! چرا؟

چون یزید فهمید که «مظلومیت» سلاحی است که
با شمشیر نمی توان آن را خاموش کرد. هر قطره
اشک رقیه علیها السلام مانند گلوله ای بود که به قلب
مشروعیت یزید اصابت می کرد.

دوستان، آمریکا هم دقیقاً از همین چیز می ترسد. از

موشک ایران می‌ترسد؟ بله؛ اما بیش از آن، از «عکس یک کودک شهید ایرانی» می‌ترسد.

چرا؟ چون اگر دنیا آن عکس را ببیند، تمام ادعاهای «حقوق بشری» آمریکا بر باد می‌رود. اگر دنیا ببیند که آمریکا کودک شش ماهه را بمباران کرده، دیگر کسی حرف آمریکا را باور نخواهد کرد. به همین دلیل آمریکا تمام تلاش خود را می‌کند تا تصاویر واقعی بمباران را سانسور کند؛ نمی‌گذارد دنیا ببینند؛ اکانت‌ها را مسدود و هشتک‌ها را فیلتر می‌کند.

اما ما باید مثل حضرت رقیه علیها السلام، این سانسور را بشکنیم. باید صدای مظلومیت ایران را به گوش دنیا برسانیم.

یادمان باشد: در جنگ غزه، یک عکس از پدری فلسطینی که کودک شهیدش را در آغوش گرفته بود، تأثیر بیشتری از صد قطعنامه سازمان ملل داشت.

آن عکس، «رقیه غزه» بود.

امروز ما هم «رقیه» های خودمان را داریم: کودکانی که زیر بمب های آمریکایی شهید شدند، مادرانی که جنازه فرزندشان را از زیر آوار بیرون کشیدند و نوجوانانی که به جای رفتن به مدرسه، زیر خاک رفتند.

ما باید صدای این ها باشیم. ما رقیه های مجازی عصر جدید هستیم!

ویدئوی پانزده ثانیه ای و کاخ سنگی

دوستان، تصویر دیگری در ذهنتان بگذارم. یک کاخ بسیار بزرگ و سنگی را تصور کنید: دیوارهای قطور، سربازان مسلح، دوربین های مدار بسته و سیستم امنیتی فوق پیشرفته. هیچ ارتشی نمی تواند این کاخ را فتح کند. (این همان کاخ سفید و پنتاگون آمریکاست.) حالا یک دختر بچه را تصور کنید: لباس پاره،

صورت زخمی، پای برهنه و چشمان اشک بار. (این همان رقیه است.)

دختر بچه جلوی دیوار کاخ می آید و شروع به گریه کردن می کند.

سربازها می خندند: «این بچه مگر چه کاری می تواند کند؟!»

اما صدای گریه دختر بچه، ارتعاش خاصی دارد. این ارتعاش نه با گلوله متوقف می شود و نه با سانسور.

ارتعاش به دیوارهای سنگی می رسد... شکاف ایجاد می کند... شکاف بزرگ تر می شود... و ناگهان سقف کاخ بر سر همان کسانی که فکر می کردند شکست ناپذیرند، فرومی ریزد.

دوستان، حضرت رقیه ع.ا.س. همان ارتعاش بود. یزید فکر می کرد کاخش محکم است؛ اما صدای رقیه ع.ا.س. شکافی در پایه های حکومت او ایجاد کرد

که دیگر ترمیم نشد. چند سال بعد، حکومت بنی امیه از درون فروپاشید.

آمریکا هم فکر می کند کاخش محکم است؛ تصور می کند با بمب و موشک و ماهواره شکست ناپذیر است؛ اما صدای گریه کودکان شهید ایران، همان ارتعاش است و شکافی در مشروعیت آمریکا ایجاد کرده است. حتی مردم خود آمریکا دارند می پرسند: «چرا ما کودکان بی گناه را می کشیم؟!»

این شکاف بزرگ تر و بزرگ تر خواهد شد تا سقف کاخ سفید، مانند سقف کاخ یزید، فروبریزد.

سرباز رسانه ای

دوستان، امشب با حضرت رقیه علیها السلام آشنا شدیم و فهمیدیم که جنگ روایت ها چقدر مهم است. حالا وقت آن است که از حرف به عمل برسیم.

وظیفه عملی ما چیست؟

۱. انتشار مظلومیت

از همین امشب، هر کدام از شما در هر فضای مجازی ای که حضور دارید، یک محتوای کوتاه دربارهٔ جنایت آمریکا منتشر کنید؛ نه با فحش و بی ادبی؛ بلکه با «زبان مظلومیت».

عکس شهدا را بگذارید؛ داستان کودکانی را که زیر بمب شهید شدند بنویسید. با زبان خودتان، ساده و از دل؛ مثل رقیه ع.ا.س. که فقط گفت: «بابایم کجاست؟!» همین یک جمله کافی بود.

۲. سواد رسانه‌ای

هر خبری را دیدید، قبل از باور کردن و بازنشرش سه سؤال پرسید

کی گفته؟ (منبعش کجاست؟ آمریکایی است یا ایرانی؟)

چرا گفته؟ (هدفش چیست؟ آیا می‌خواهد شما را ناامید کند؟)

مدرکش چیست؟ (سند دارد یا حرف بی پایه

است؟)

اگر از این سه فیلتر عبور کرد، باور کنید. اگر نه، دور
بیندازید. نگذارید ویروس دشمن از راه گوشی شما
منتشر شود.

۳. صدای بی صدایان باش

دوستان، بسیاری از شهدای این حملات صدایی
ندارند. بسیاری از مادران داغدار کسی را ندارند که
حرفشان را بشنود. شما صدای آن‌ها باشید...
بروید تحقیق کنید، نام شهدا را پیدا کنید و
داستانشان را بنویسید؛ نگذارید غریب بمانند؛ مثل
حضرت رقیه علیها السلام که نگذاشت خون پدرش غریب
بماند.

جمع بندی

خب رفقای من، بیایید با هم جمع بندی کنیم که
امروز چه درس‌های بزرگی از کوچک‌ترین قهرمان
کربلا یاد گرفتیم.

فهمیدیم که هر جنگی دو تا فاز دارد: یک فاز فیزیکی که همان موشک و بمباران است و آمریکا با آن خون رهبر شهیدمان و ۱۶۸ دانش آموز بی گناه میناب را ریخت، و یک فاز خطرناک تر به نام «جنگ روانی» یا همان «ضربه مغزی» که در آن دشمن می خواهد با رسانه هایش جای جلاد و شهید را عوض کند و ما را ناامید سازد.

عزیزان دل، ما امروز یاد گرفتیم که حضرت رقیه ع.ا.س. «جعبه سیاه کربلا» بود؛ یعنی همان قطعه شکست ناپذیری که در اوج آوار خرابه شام، حقیقت جنایت یزید را برای تاریخ مخاברה کرد.

فهمیدیم که «مظلومیت واقعی» وقتی با «حقیقت خالص» ترکیب شود، از هر بمب اتمی قوی تر است و ارتعاش گریه های یک کودک می تواند پایه های کاخ های سنگی ظالمان را فروبریزد.

بچه ها، عهد بستیم که امروز ما «رقیه های عصر

مجازی» باشیم؛ یعنی نگذاریم خون پاک زهرای کوچولوی چهارده ماهه و رفقای شهیدمان در میناب زیر آوار سانسور رسانه های آمریکایی گم شود.

تکلیف ما هم این شد که سرباز روایتگر جبهه حق باشیم؛ با گوشی هایمان صدای بی صدایان باشیم و قبل از باور کردن هر خبر دشمن، از فیلتر سواد رسانه ای عبورش دهیم تا ویروس ناامیدی در دل ما منتشر نشود. پس همگی با هم به رقیه علیها السلام قول می دهیم که تا آخرین نفس، «جعبه سیاه حقیقت» برای این سرزمین و این انقلاب باقی بمانیم.

دعای پایانی

به نیت حضرت رقیه علیها السلام سه تا دعا کنیم. همه دست های پاکتان را به نیت زهرای کوچولو و ۱۶۸ شهید میناب بالا بیاورید:

✓ خدایا، ما را روایتگر صادقِ مظلومیتِ رهبر

شهیدمان و کودکان میناب قرار بده.

✓ بارالها، منتقمِ خونِ زهرای چهارده ماهه و

تمام کودکانِ بی گناه را برسان.

✓ پروردگارا، ما را در جنگِ روایت ها بر

آمریکای جنایتکار پیروز بگردان.

هرکسی دلش می خواهد که همراه و دوست و یار

همیشگی حضرت رقیه ع.ا.س. باشد، بلند صلوات

بفرستد:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم